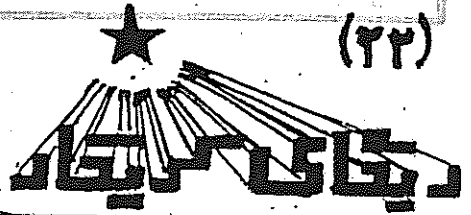


iranische Bibliothek in Hannover

(۲۲)



سازمان کارگران انقلاب ایران (راه کارگر)
کمیته کردستان

سال دوم شماره بیست و دوم خرداد ۱۳۵۱

خودمختاری

فولانت و مگر استیک خلیلی

صفحه ۲

طی عملیات دلیرانه پیشمرگان در منطقه یات

پایگاه "تاژه بان" تسخیر شد

در ایس عملیات :

- پیشمرگان سازمان کارگران انقلاب ایران (راه کارگر) و حزب دمکرات کردستان ایران و چریکهای فدایی خلق ایران (ارتش رهایی بخش خلقهای ایران) شرکت داشتند .
- پایگاه "تاژه بان" بطور کامل به تسخیر پیشمرگان در آمد .
- ۶۴ تن از مزدوران بهلاکت رسید و ۱۶۰ تن دیگر به اسارت پیشمرگان درآمدند .
- مقنا د یسرزیادی سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاد .
- یک ماشینب. توپوتای دشمن توسط پیشمرگان منهدم شد .

بقیه در صفحه ۱۴

در این شماره :

کدام پیروزی؟

صفحه ۲۵

اخبار جنبش

صفحه ۲۴

صفحه ۳۰

یاخ به نامه ها

حکومت شورائی

آزادی ، استقلال

خودمختاری . . .

خلق کرد سائین د رازی است که از ستم ملی همه جانبه ای رنج می برد . این واقعیت است انکار ناپذیر . مبارزات متناوب چهل ساله گذشته و برجسته تر از همه جنبش جاری خلق کرد برای حل مسئله ملی جایی برای انکار این واقعیت باقی نمیگذارد . اما مسئله تهادیدن واقعیت نیست . باید واقعیت را بطور دقیق و همه جانبه مورد شناسایی قرار داد و در جهت تغییر مثبت آنها همست گذاشت . همینجاست که بررسی بسیاری از مقولات مطروحه و مهتر از آن نشان دادن راه تغییر مثبت شرایط و رهائی خلق کرد از زوایای مختلف ضرورت می یابد . بررسی نقش د مکراس در رهائی خلق کرد و راه دسترسی به آن یکی از زوایای است که میتواند به مسئله نزدیک شود .

خلق کرد خواهان رهائی از ستم ملی است و رهائی از ستم ملی را نیز دریونند و او طلبانه با دیگر خلقهای ساکن ایران و کسب خود مختاری در این چهارچوب جستجو میکند . خود مختاری مقدمه است در چهارچوب خلق ملل در تعیین سرنوشت خویش میگذرد . حق آزادی ملل در تعیین سرنوشت نیز بنوبه خود یکی از پایه های ترین حقوق د مکراتیک است . بدون اعتقاد

راسخ به حق مسلم ملل در تعیین سرنوشت خویش نمیتوان مدعی اعتقاد به د مکراسی بود . در تعیین حال نمیتوان و نباید حقوق د مکراتیک را مشروط و بدین ترتیب محدود و ستم نمود . بنابراین باید خواست خودمختاری از طرف خلق کرد را بدون قید و شرط پذیرفت . این در عین حال بدین معنی است که خلق کرد هر سرنوشت دیگری را برای خود تعیین نماید در چهارچوب اعتقاد به د مکراس ، پذیرش آن ضروری خواهد بود . ام از اینکه خواست پیوند بدون قید و شرط با خلقهای دیگر ساکن ایران باشد یا خواهان استقلال کامل است . البته این بدان معنی نیست که در صورت نادرست دانستن خواست همه خلقها منجمله خلق کرد نمیتوان و نباید به تبلیغ و ترویج راه واقعی رهائی آن در جهت اصولی و درست پرداخت . چراکه آزادی عقیده ، بیان و قلم از دیگر اصول و حقوق پایه ای د مکراس اند .

اما اگر برای بررسی و حل مسئله خلق کرد از زاویه د مکراس وارد شده ایم باید روشن کنیم که اولاً چرا خلق کرد به تنهایی نمیتواند به د مکراسی رهائی دست یابد ثانیاً دریونند با خلقهای دیگر ساکن ایران برای ایجاد ایرانی د مکراتیک و آزاد چه نقش میتواند و باید داشته باشد . مادر مقاله "رنا" ما برای رهائی خلق کرد مدرج در شماره های ۳ و ۴ همین نشریه

مجله بسط مبارزه طبقاتی و تأمین هم‌زمانی پروتاریا از کانال دادن یا سخند مکرراتیست. و اصولی به این مسئله محوری امکانپذیر است. مجموعه همین شرایط است که باعث گردید ه خلق قهرمان کرد برای رفع محرومیت اجتماعی کسب آزادی و رفع ستم ملی هر زمان که فرصتی یافته و در اشکال و سطوح مختلف بر علیه دولت های ستمگر مرکزی قیام نمود و دست به مقاومت و مبارزه زد و است. همین مجموعه شرایط از طرفی دیگر ضجر به عقب ماندگیهای اقتصادی و اجتماعی شده و بدلیل این عقب ماندگیها خلق کرد به تنهایی با اشکالاتی بمراتب بیشتر میتواند زمینه های مساوی و بالنتیجه زمینه های معنوی د مکراس و آزادی را فراهم آورد. بنا بر این خواست خود مختاری نه تنها از زاویه احترام و اعتقاد به حقوق حقه خلق کرد بدون هیچ پیش شرطی مورد قبول واقع شود بلکه به لحاظ انطباقی که با الزامات واقعی رهایی و رسیدن به آزادی و د مکراسی خلق کرد دارد باید مورد تأیید و تبلیغ قرار گیرد.

اما اگر رهایی خلق کرد به تنهایی فوق العاده مشکل است و بدون استقرار د مکراس واقعی (تود های و وسیع) در سراسر ایران نیز رهایی آن ممکن نبی شود. از طرف دیگر ایران رها از استبداد بدون پیوند با و طلبانه خلقهای ساکن این مرز و بوم امکان ندارد.

بطور معصل در این باره توضیح داد: ایسم. بنا بر این در اینجا به اشاره ای کوتاه بنسندیم. نقش عظیم دولتی اقتصاد و نقش عظیم درآمد های نفتی و وابستگیهای عمیق اقتصادی به بازار جهانی سرمایه و ویژگیهای رشد و گسترش سرمایه داری ایران هستند که نقش خود را در کردستان و در ستم ملی به خلق کرد به جای گذاشته اند. عدم رشد صنایع باعث عقب ماندگی اقتصادی و مانع از رشد طبقه کارگر در درون خلق کرد شده و بورژوازی ملت ستمگر در بین سیاستهای استیلا جویانه و ضعف طلبانسه خویش از طرفی اکثریت قریب به اتفاق این خلق را همچون تمامی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران تحت ستم طبقاتی قرار داد و باعث شد دید محرومیت اجتماعی و فقر خانسه خرابی آنها گردید و از طرف دیگر سرمای سرکوب همه جانبه این خلق رزنده در جهت احماء و نابودی فرهنگ و زبان آن کمر همست بسته و بدین ترتیب ستم ملی را در تمامی ابعادش بر این خلق رزجیدید و روا داشته. ستم ملی همه جانبه بورژوازی ملت ستمگر و با توجه به ویژگیهای آن که ضجر به محرومیت همه جانبه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خلق کرد شده و موجبات آنرا فراهم آورد که مسئله ملی در مسائل این خلق که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی و تاریخی خود دارای ویژگیهای خاص خود است قرار گیرد. بطوریکه حل هر مسئله ای

بد آزادی نخل در تعیین سر و ستم
خویش یعنی قائل شدن آزادی برای هر
خلق تا سرحد جدائی و استقلال کامل . فقط
طبقه کارگر تا بدین حد به عمیق و وسیع - به
دمکراسی پایبند است چرا که طبقه کارگر -
دمکراسی بیش از هر چیز نیازمند است . اصلا
نباید فراموش کرد که دمکراسی نیز به طبقه کارگر
نیازی حیاتی دارد .

آزادی خلقها جمله خلق کرد به آزادی
ایران و آزادی ایران به وحدت داوطلبانه خلقها
ساکن آن در رابطه متقابل بوده و همه اینها به
طبقه کارگر میبندد خورد ه اند . والا بویژه با توجه
به بحران همه جانبه سیاسی - اقتصادی عمیق
جامعه ایران که بدین یک دگرگونی اساسی و
بنیادی در تمامی سطوح و ابعاد قابل حل نیست
و با توجه به اینکه طبقات غیر پرولتر قادر به انجام
چنین دگرگونیهای نییافتند و در عین حال
نمی توانند عمل را این جامعه بحران زده - حتر
در شکر ، محدود بورژوازی آن - به دمکراسی پایبند
باشند ، لا محاله وحدت خلقها با سر نیزه تامین
خواهد شد و حکومت سر نیزه مساوی است با ستم ملی
واقعیت اینست که دمکراسی واقع در ایران
بدین همزونی پرولتاریا بدست نسو آید . برجستگی
این واقعیت وقتی روشن میگردد که بخوبی
درک شود پرولتاریای سراسر ایران که نه تنها
از ستم ملی نفعی نمی برد چرا که در جهان امروز
بیش از جمعیت حلقهای سراسر ایران با این ستم
رنج میبرد بحران نه تسبیح و شراز ، خنثیای تحت

واقعیت ایست که وحدت خلقهای ساکن ایران
همواره با سر نیزه تامین شده و همین سر نیزه
برده که تا کنون محرومیت و ستم ملی همه جانبه
را بر اکثریت این خلقها و ضحله خلقی کرد تحمیل
نموده . اما برای شکستن همین سر نیزه نیروی
عظیمی خلقهای تحت ستم که در انحسار
داوطلبانه آنها متجلی میشود نقش تعیین
کننده ای دارد . بهمین دلیل پیوند
داوطلبانه خلقهای سراسر ایران برای شکستن
سر نیزه استبداد ستم ملی و طبقاتی ضرورتی
حیاتی دارد . و ناگفته پیداست ستم طبقاتی
و ستم ملی و سر نیزه باینکه دیگر خورشید و
وحدت دارند . اما اگر این سر نیزه بشکند
ضمای پیوند خلقهای سراسر ایران چیست ؟
طبقه کارگر نمای خلقهای ایران چرا که تنها
پرولتاریا است که بیش از هر طبقه خواهان
وحدت - آنها و وحدت داوطلبانه - خلقها و
بیانگر منافع مشترک اکثریت توده اهالی هر
یک از این خلقها است . طبقه کارگر که
پیروزی خود را در وحدت و نه در تعرفه میبیند
هیچ نفعی از شقه شقه شدن خلقها نمیبرد
از انبوه قتل و ستم محکمی براء و وحدت
داوطلبانه خلقها است . تنها طبقه کارگر است که
از ستم ملی نفعی نمی برد چرا که در جهان امروز
هر جاستی باشد شامل حال پرولتاریا نیسز
می شود . اما وحدت داوطلبانه خلقها قبل از
هر چیز در گرو اعتقاد عمیق به دمکراسی است
و دمکراسی در برخورد با مسئله ملی یعنی قائل

را بدلیل کمیت و کیفیت خود به مرحله کسب خواهد نمود و از طرف دیگر طبقه کارگر برای د مکراسی بیش از تمامی طبقات و اقشار جامعه احترام قائل است و بدان ارجح می نهد .
 شرط لازم د مکرات بودن در ایران امروز عبارتست از نهراسیدن از حاکمیت شوراهای مردم و در این میان د مکرات انقلابی آنست که از گام برداری در راه استقرار شوراهای حاکمیت مردم یعنی از مستگیری سوسیالیستی نهراسد . بی تردید جنبش کمونیستی - کارگری وظیفه خویش را در راه ایجاد حاکمیت شورائی و در جهت همزمنی پسرولتاریا انجام خواهد داد و بیشترین تلاش را خواهد نمود . درجه د مکرات بودن افراد و نیروهای سیاسی به رابطه با این تلاش مشخص میشود .

کمونیستها و طبقه کارگر تشکیل شوراهای پایه ای حاکمیت مردم را مشروط به همزمنی طبقاتی خویش نمیکنند و این بنوبه خود بیانگر واقعاً د مکرات بودن آنهاست . از زاویه همین اعتقاد عمیق و همه جانبه و نیاز به د مکراسی است که کمونیستهای ایران خواهان حکومت شورائی یعنی همان د مکراسی توده ای برای ایران هستند . تنها تحت چنین حاکمیتی است که ملل تحت ستم ایران میتوانند به آزادی دست یابند و خواستههای خود را

زحمتشان سراسر ایران عملاً و بالفعل میتواند نیروی عظیمی را برای استقرار و پاسداری از د مکراسی گرد آورد . تا اینجا بحث بر سوسیالیست استقرار سوسیالیسم - بعنوان عالیترین شکل د مکراسی - نیست . برای اثبات این امر کافی است روشن نمائیم که بدلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران و ویژه خلقهای تحت ستم ساکن آن و وزن بالای اقشار زحمتکش غیر پرولتر امکان استقرار بلافاصله سوسیالیسم وجود ندارد ، بلکه بحث بر سر استقرار د مکراسی است . اما د مکراسی چیست ؟ د مکراسی عبارتست از حاکمیت مردم .

حاکمیت مردم چگونه اعطال میشود ؟ از طریق هدایت و نظارت روزمره مردم و این امر تنها از طریق شوراهای مردم ازبائین ترین سطوح - در مرحله کار و زندگی - تا بالاترین سطوح - به دست گیری قدرت دولتی - امکانپذیر است . واقعیت تاریخی حاکمیت پارلمنتاریستی - که یکی از صور حکومت بورژوازی است - به وضوح ضد د مکراتیک بودن خود را حتی در د مکراتیک - ترین کشورهای بورژوائی به اثبات رسانیده . طبقه کارگر بدلیل وزن کمی و کیفی خود بیشترین استفاده را از حاکمیت شورائی خواهد برد و به همین دلیل بطور پیگیر از آن دفاع مینماید . چراکه تردید ندارد حاکمیت د مکراتیک شوراها

خود مختاری برای خلق کرد، د مکراسی توده ای برای ایران

جامه عمل بیوشاند .
از طرف دیگر اگر استقرار د مکرسی توده ای گامی است بلند در جهت آزادی خلقهای تحت ستم ایران و تلاش هر یک از این خلقها در جهت استقرار چنین حاکمیتی در ایران و تسلائی خواهد بود در جهت آزادی ورهائی خود .
چنین تلاشی چگونه باید صورت گیرد ؟ بی تردید در جهت ایجاد پایه های حاکمیت شوراهادر درون صفوف خلق ستم دیده .
• بمبارت دیگر خلقهای تحت ستم و ضحمله خلق کرد با پایه ریزی حاکمیت شورائی در میان خود و در پیوند با شوراهای حاکمیت دیگر خلقها زمینه ساز ایجاد حاکمیتی دمکراتیک در ایران خواهند شد .
• بدین ترتیب رهائی ملی با رهائی مسلسل ایران پیوند خواهد خورد و با تاثیر مثبت متقابل هر دو .
• و خه رهائی و دستیابی به آزادی و دمکراسی را مستحکم خواهد ساخت .
• طبیعی است کمونیستها و پرولتاریای تمامی خلقهای ایران در این میان بیشترین نقش را داشته و باید آنها را ایقانمانند .

خلق کرد کمپین پرجمعیت ترین خلقهای تحت ستم ایران بوده و حدود شش سال است در دفاع از انقلاب علیه ضد انقلاب جمهوری اسلامی ایستادگی می کند در این میان نقش عظیمی بر عهده دارد .
• این نقش و حتی بطور مثبت و برجسته میتواند ایفا شود که از هم اکنون و برای پیشبرد همین مبارزه حق طلبانه تود .
• های مردم سازماندهی شوند .
• تشکلهای

توده ای ، برای استحکام صف انقلاب را نیز از هم اکنون باید بی ریخت و حکومت کردن را از هم اکنون گام به گام به توده های مردم آموخت .
شوراهای پایه ای حاکمیت را نیز باید از هم اکنون بی انگند .
• این توده های مردم ضد کب انقلاب را به پیش می برند و حق حاکمیت دارند ، باید بدون پیش شرط قرار دادن برای حاکمیت مردم ، برای دمکراسی ، بدون توسل به این استدلال که مردم هنوز توانائی حکومت کردن را ندارند و بدون تنگ نظری های گسرو .
مدارانه زمینه را برای شرکت هر چه بیشتر توده های مردم در انقلاب و حاکمیت آنها فراهم آورده تنها در چنین صورتی است که خود مختاری ، این حق مسلم خلق کرد میتواند در شکل حاکمیت شورائی به حاکمیت دمکراتیک توده ای (حاکمیت شورائی) در ایران کککند .
نداید و بدین ترتیب ضمن استحکام پایه های دمکراسی واقعی در درون خلق کرد ، که با رأی خود محق است محدود و خود مختار را تعیین نماید ، تضمین واقعی برای آزادی و رهائی این خلق قهرمان از زیر ستم ملی و طبقاتی فراهم آورد .

دمکراسی ، یعنی حاکمیت مردم را با این ریزی حاکمیت شورائی بطور واقعی گرامی بداریم و در راه استقرار آن بکوشیم .
• تنها در اینصورت خلق کرد میتواند خود مختاری مطلوب خود را در ایرانی آزاد و دمکراتیک ، بدور از هرگونه ستم ملی و طبقاتی بدست آورد .

کدام پیروزی؟

اکنون نزدیک به ه ماه است که جنگ پند
هرجام بین حزب دمکرات و کومه له و ففسای
سیاسی کردستان و روند حرکت جنبش خلق
کرد را بر زیر تاثیر عواقب شوم و مخرب خود برد
است. فقدان واقع بینی و در نظر نگرفتن
الزامات و منافع جنبش انقلابی کردستان و اینده
پیرو او آنچنان در وضع عدم انعطاف نسبت
به یکدیگر و انتشاری بر روی سیاست های غلطی
که نتیجه اش بروز و تدام این درگیریها بود
است قرار داد که آنها هرگونه آمیدی به
پایان یافتن سریع درگیریها را به یاس بدل
ساخته اند.

اثرات مخرب این جنگ که هر روزه جنبش
مقاومت را ضعیف تر کرده و آنرا از مسیر
امایش منحرف نموده و دشمن مشترک خلق
کرد و یعنی رژیم جمهوری اسلامی را تقویت
میکند بر کتر کسی پوشیده است. این جنگ
اثرات زیانباری بر روی روحیه مردم کردستان
بجای گذاشته و مبارزات یکپارچه آنها در برابر
رژیم فقهالطامات جدی وارد کرده است برای
درک این واقعیت بدیهی و نیازی به تبسوغ
و وسعت دید فوق العاده وجود نداشته و
تمای مردم شهرها و روستا های کردستان آنها
را بایست و گورشت خود لمس نمود و هر روزه
بر ادامه دهندگان این جنگ گوشزد نمیکند.

اما از سوی دیگر حزب دمکرات و کومه له
تمای تلاشهای خود را بکار میگیرند. کومه
این حقایق را از گونه جلوه داده و پسرده
بر روی سیاست های انحرافی خود بکنشید
تا بدین ترتیب سیاست های راکه زمینه ساز
این جنگ و تدام آن است را توجیه کسمبجوده
و همچنان دنبال کند. لازمه توجیه کنسردن
و تعقیب نمودن این سیاست ها نیز
پوشاندن حقایق از طریق ارائه تصویری
موهم از سرانجام این جنگ است. از اینسو
حزب دمکرات و کومه له و پنهان یا آشکار
دست یابی به پیروزی را ثمره این جنسنگ
قلمداد نموده و این هدف موهم را پیش
روی خود قرار داد و رسیدن به آن را
بمردم نیز وعده میدهند.

کومه له بر پایه اعتقاد خود مبنی بر
نماینده و بورژوازی دانستن حزب دمکرات و
نماینده و پرولتاریا دانستن خود و مابینسندی
بر آشتی ناپذیری این دو نیرو در مبارزه
جاری کردستان و دنبال نمودن این سیاست
در اقدامات روزمره خود و زمینه اصلی بسروز
چنین درگیریهای را فراهم نموده است. بی
شک اگر حزب دمکرات را یک نیروی ضد انقلابی
بیندازیم و تعقیب چنین سیاست های برانمیتوان
اقدامی جنگ افروزانه تلقی کرد و اما از آنجا که
این تحلیل و براتیک منبعت از آن و با واقعیات
پیکار خلق کرد همخوانی ندارد و دیگر در این
مسئله که سیاستهای جنگ افروزانه کومه له

عامل اصلی بروز چنین درگیریهای است
 تهدیدی باقی نخواهد ماند .
 اگر از ابتدای درگیریهای بین این دو
 نیرو، شرکت منفی آن قابل رویت نموده ، اکسون
 پس از گذشت ۵ ماه از آغاز این جنگ خونین
 و بروز بسیاری از نتایج مخرب آن ، واهی بودن
 تصور برکات و ضمانت که سیاست اتخاذ شده
 توسط کومه له تحت عنوان " تفرض مقابل " ،
 بدنیال خواهد داشت بخوبی خود را نشان
 داده است و قاعدتا باید این انتظار را نیز
 داشت که کومه له قبل از هرکس بدین حقایق
 دست یافتباشد . با این همه کومه له چشم خود
 را برواقتیات بسته و یا سعی میکند که واقعیات
 را از چشم دیگران پنهان دارد و هم چنان بر
 صحت تصورات اولیه خود پافشاری میکند .
 کومه له پس از خروج از اکثر مناطق و محدود
 شدن به جنوب کردستان ناگزیر شده است
 برنامه های راکه میخواست در رابطه با مبارزات
 مردم و سازماندهی توده ها و ... در پیش گیرد
 و حداقل در طول درگیریهای کنونی تعطیل
 کند . افت حضور در عرصه مبارزه مسلحانه در
 برابر رژیم جمهوری اسلامی نیز برکسی پوشیده
 نیست و حضور آن در این عرصه ، بموارد معدود
 زگاها تعیلی محدود گذشته است . ارسوری
 دیگر درهاکسته و زخمی و لطمات جدی تر
 دیگر و کومه له از این جنگ خانمانسوز بسود
 است ^{بیشتر} نگرانیات انفصالی و تردید در پایداری
 و تمایل بر زمین گذاشتن سلاح در صفوف

بیشمرگان از برجسته ترین لطماتی است که
 طی این دوره خودنمایی کرده است . با این
 وجود کومه له بجای اتخاذ سیاست های
 که بتواند زمینه پایان یافتن درگیریها را تقویت
 کند قدمی بیشتر نهد و آشکارا تدام کشت
 و کشتار داخلی و بیروزی موهوم حاصله از آنرا
 تبلیغ میکند . نمونه ای از این تبلیغ و تهییجات
 جنگ افروزانه کومه له را در سرمقاله پیشروی
 شماره ۷ (ارگان کومه له) میتوان مشاهده کرد .
 عبد الله مهته ی در این سرمقاله سنگ تصلم
 گذاشته و آنچه در جنته داشته را برای تجزیه
 بیشمرگان کومه له بکار بسته است . حتی از یاد
 آوری فنون نظامی نظیر تحرك و تمرکز و تهور
 و ... نیز بهره گرفته است تا با تزلزلاتی که در
 صفوف نیروهایش نسبت به این جنگ بردرکنسی
 ایجاد می شود مقابله کند . برای این جنگ
 برادرکنسی عظمی مافوق تصور قائل شده
 و بیروزی بر حزب دمکرات را فتح الکبری کسه
 سرزشت طبقه کارگر و انقلاب در سراسر ایران
 (و حتما از این طریق در سراسر جهان) را رقم
 خواهد زد مینامد . اما کدام بیروزی ؟ کومه له
 توانایی تابود کردن حزب دمکرات را ندارد و
 خود نیز حداقل چنین ادعایی را بطور علنی
 مطرح نکرده است . خواست آتش بس آ ن
 خواستی است که کومه له هم اکنون بدنیال آنست
 و چون تحقق این امره در فضای کنونی ناممکن
 شده میکوشد که در پی یک جنگ فرسایشی به
 این هدف دست یابد . اگر آتش بس در ای

چنین ثمرات عظیمی است که کومه له دست یافتن به اهداف خود را از طریق آن دنبال میکند، پس دیگر چه نیازی به آن جنگ افروزیها بود که پس از این همه لطامت و دست یافتن به آن ممکن گردد. کومه له فکر میکند که پس از پسر «افروختن جنگ داخلی» تحت عنوان «بسا اصطلاح» تعرض متقابل و با دست یافتن به آتش پس به پیروزی دست یافته است و در حالیکه بدین ترتیب تنها عدم احساس مسئولیت خود را نسبت به جنبش انقلابی خلقی کرد با ثببات رسانده است. دست یافتن به آتش پس نسبه پیروزی بلکه جلوگیری از شکست و لطامت هر چه بیشتر و تلاشی برای تحقق آن نشان دهند و شکست سیاست های جنگ افروزانه است.

اما خوب د مکررات که عدم رعایت اصول و ضوابط، مکرراتیک مبارزه انقلابی از طرف آن، یکی دیگر از عوامل برجسته ایجاد زمینه درگیریهای اخیر است در این گیرودار بدنبال چیست؟ این حزب در طی پنج ماهه اخیر قدم در راهی گذاشته است که کومه له از ابتدا در آن راه می پیمود و باتن ندادن به قطع درگیریها و اعلام آتش پس عملی بدنبال روی سیاست های جنگ افروزانه کومه له تبدیل شده و در شرایطیکه کومه له (با هر انگیزه ای) خواست برحق مردم کردستان، یعنی قطع درگیریها را بدست و حزب د مکررات با یافشاری بر روی ادامه درگیری به عامل اصلی ادامه دهند و جنگ داخلی تبدیل شده است.

اگر در ابتدا این تصور برای حزب د مکررات وجود داشت که میتواند کومه له را نابود کند و حوادث چند ماهه اخیر نشان داد که این تصور با واقعیات موجود در شاقص آشکار است. البته اگر تحقق چنین هدفی ممکن نیز بوده و موفقیتی برای جنبش انقلابی بحساب نمی آمد چرا که نابود کردن نیرویی که در کنار مردم و با دشمن مشترک آنها مبارزه میکند و نه کسب موفقیت بلکه وارد کردن ضربه بر دیگر جنبش انقلابی و تضعیف آنست. پس از روشن شدن اینکه نابود کردن کومه له ممکن نیست و حزب د مکررات تلاش خود را در این جهت که کومه له را بنطاق معینی محدود نماید بکار گرفته است. این حد اکثر چیزی است که حزب د مکررات با ادامه دادن به جنگ با کومه له میتواند بدست آورد و چنین امری نیز نتیجه ای جز تضعیف جنبش را به همراه نخواهد داشت. حاصل محدود شدن کومه له، بازتر شمسدن دست رژیم جنایتکار خمینی در تعرض بیشتر به توده هاست و بدین ترتیب جنبش انقلابی و مردم کردستان و ضربه و شکست بیشتری را از دست یافتن حزب د مکررات به این حسدند و متحمل خواهند شد.

حزب د مکررات پیش از هرکمی بر تاثیرات منفی این درگیریها بر روند حرکت خویش آگاه است. علاوه بر اینکه آفت شدید پیشرفت برنامه ها در رابطه با مبارزات مردم کردستان و یائین آمدن بیش از حد حضور در عرصه

مبارزه مسلحانه و از دست دادن و مجروح شدن بسیاری از پیشمرگان در محمل لطمات بسیاری شدن و شامل حال حزب دمکرات نیز شده است و تقابل این حزب با خواست مردم و تمامی نیروهای انقلابی و یعنی تقابل با خواست قطع نفوذی در گریه‌ها نیز برای عوارض افزوده شده و این مجموعه حزب دمکرات را در موقعیت ناساسی قرار داده است. باین همه حزب دمکرات همچنان بر ادامه در گریه‌ها پسا فشاری میکند.

در این جنگ برادر کشی پیروزی وجود ندارد و هر اندازه این در گریه‌ها بد را زاکشیده شده و افزایش یابد و بهمان نسبت و جنبش انقلابی خلق کرد تضعیف خواهد شد. پایان هر چه زودتر این جنگ یعنی جلو گیری از شکست و لطمات هر چه بیشتر و حزب دمکرات بهمان نسبت که بر روی تداوم این در گریه‌ها و خود داری از بند برش قطع در گریه‌ها پافشاری نماید، مسئولیت لطمات بیشتری که بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد می‌آید را بعهده خواهد داشت.

امروزه نوعی یاس و دلزدگی در بین مردم کردستان در حال گسترش یافتن است. این یاس نتیجه تمکین توده‌ها به حاکمیت دشمن نیست و رشد جنبش توده‌ای و بازترین گواهی این امر است. مردم کردستان در توان و اراده خود نیز دچار تردید نشده‌اند بلکه سؤالی که بر ذهن اکثرشان سنگینی میکند اینست که

فردای پیروزی و بجه نیرویی باید اشکاکند و اینها که امروزه در گروه و کمر بجان یکدیگر رحمی نکرد و ربه ضافع و خواست مردم پشت میکنند و فردا بر سر یکدیگر و سرزمینشان چه خواهند آورد؟ آیا اینها کردستان پاک شده از نیروی دشمن را برای این میخواهند که در محیط بازرگی بر سر یکدیگر بیوروش بیاورند و آیا ما فرزندان خود را برای این بصفوف پیشمرگان می‌فرستیم که تفنگشان قلب یکدیگر را نشانه رود؟ سؤالاتی از این دست است که ذهن مردم کردستان را بخورد و مشغول کرده و این احساس که برای این همه فداکاری و حمایت چندین ساله شان پشت یازده شده و بر اعضادشان خیانت شده است را در بینشان تقویت میکند. طرفین در گریه نیز بجای فهم واقعیات و اصلاح مواضع غیر اصولی که حاصلی چون جنبش در گریه‌ها را ندارد و سراب پیروزی در این جنگ برادر کشی را بر مردم کردستان وعده میدهند. غافل از اینکه اگر مردم کردستان بجنبش وعده‌های موهوبی دل خوش میکردند و جنبش مقاومت خلق کرد نمیتوانست تا بدین حد بر روی پای خود بایستد و خیلی قبل از این در برابر انواع وعده‌های تو خالی که در مراحل مختلف به مردم کردستان داده شده است سر تسلیم فرود می‌آوردند.

بی‌گمان جنبش خلق کرد بیشتر از همه به وجود معیارهایی که بر پایه آنها به اصول

آوارگان جنگی در شهرهای مذکور و بطور عموم در کردستان ابعاد وسیعی به خود گرفته و هم‌اکنون به یکی از مسائل مهم تبدیل شده است .

ماتاکون در مقالات مختلف شماره های قبل این نشریه توضیح چگونگی بیماری‌های اخیر صدمات و لطمات ناشی از آن و دیگر نتایج جنگ و . . . پرداخته ایم . با توجه به ادامه وضعیت موجود در وسعت و تداوم مسئله آوارگان شهرهای فوق الذکر ، این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار گشته است . و از این رو توجه به این واقعیات ، بیشترین فعالیت انقلابی در میان آنها و تلاش برای سازماندهی مبارزات آنها باید مدنظر قرار گیرد . همواره مبارزات توده‌های علیه ستمگرها و فشارهای حکومتی ضد انقلابی خود را در شرایط مشخص ، خصوصاً در مقاطعی که این ستمگرها به نحو شدید تر بر میان تری خود را می‌نمایند زمینه پیدایش و گسترش بیشتری میابد . مسئله مبارزات توده‌ها علیه جنگ به عنوان یک تلیس خود را در اشکال گوناگون مینمایند . در این رابطه مسئله آوارگان جنگی بعنوان یکی از نتایج تداوم جنگ که به همراه خود بخش وسیعی از اهالی شهرها را زیر فشارهای شدید قرار میدهد ، به نحو بارزی عرصه ای است از تقابل مضمون خواستها و مبارزات توده‌های با ادامه جنگ و حاکمیت جمهوری اسلامی . به این خاطر مسئله آوارگان جنگی بعنوان مسئله بخشی از

آوارگان، قربانیان . . .

بیماران شهرها به عنوان آخرین شکل تداوم جنگ ، در دورا اخیر ابعاد وسیعی به خود گرفته است . هم‌اکنون بیش از سه سال است که آتش جنگ - بیمارانش و حملات موشکی - بخش وسیعی از خاک و کشور را در بر گرفته و زندگی را از اهالی شهرهای آن ضائق غصب نموده است . تعداد زیادی از شهرهای ایران مداوماً زیر ضرب حملات هوایی و موشکی قرار گرفته و در این بین خسارات جانی و مالی بسیاری را متحمل گشته اند . طی چند دوره بیماری‌های حاد و تپید باران مداوم ، بخت از شهرهای کردستان خصوصاً شهرهای بانسسه پیرانشهر و سردشت متحمل بیشترین لطمات گشته اند . شدت و تداوم حملات هوایی و میزان خسارات ناشی از آن شرایطی را ایجاد کرده است که عملاً زندگی را در شهرهای فوق نامشکن ساخته و آنها را به حالت تعطیل در آورده است . هم‌اکنون بیش از یک ماه است که دیگر شهر بانه بطور کلی خالی از سکنه است و اهالی پیرانشهر و سردشت نیز به میزان وسیعی دست به تخلیه شهرهای خود زده اند . اهالی این شهرها برای نجات جان خود از خطر حملات هوایی و تپید بارانهای شدید ، آنگاه به روستاهای اطراف پناه برده اند . از این رو با توجه به ابعاد این مهاجرت ها و تداوم وضعیت موجود مسئله

تود ها که بد نسبت سایی در شرایط مشخص کونی زیر فشار مستقیم ترناش از تدام جنگ بوده و از اینرو دارای زمینه مساعدی برای پیوستن به صف مبارزه علیه جنگ هستند باید مورد توجه قرار گیرد. تبلیغ و ترویج و سازمانگز تود های و رهبری مبارزات آنها در مناطق که حیات سیاسی و اجتماعی آنها از پیچیدگی ها و دشواریهای برخوردار میشود معنای دقیق تر و همه جانبه تری پیدا میکند.

اهالی شهرهای یانه و سردشت و بیرانشهر در روستاهای اطراف شهر پراکند و شده اند. استقرار آنها در روستاهای ضطقه مجموعاً شرایطی جدیدی را ایجاد میکند که باید دقیقاً آنرا شناخت و متناسب با آن و برای بهره گیری از امکانات مناسب و تدارک راه حل برای مشکلاتی ازین برآمده داشت. استقرار پراکند و آوارگان در مناطق روستائی در عین حال که کاهش توان کنترل و مقابله را به همراه دارد ولی امکان تاسهای نزدیک و تدام را تا حد زیادی تقلیل میدهد. در این رابطه باید در فکر پیدا کردن راه حل هائو برای حفظ ارتباطات سابق و تامین راههای برای تدام آن و ایجاد ارتباطات و هماهنگی تدام در بین آنها بود. در کنار این و پراکند شدن اهالی آوره شهرها در مناطق روستائی

و ایجاد امکان تاسهای گسترده و و تدام دسته های سیاسی - نظامی نیروهای پیشمرگه با آنها و امکانات وسیعی را در اختیار ما قرار میدهد. در چنین شرایطی میتوانیم در بسیاری از روستاهای ضطقه و مراکز تجمع آوارگان گذشته از پیشبرد وظایف عمومی سیاسی خود در رابطه اهالی مناطق محرومتهای شخصی از برخورد و فعالیت خود را در ارتباط با سازماندهی مبارزات آوارگان متکی به همین امکان عملی نمائیم.

همچنانکه فوقاً نیز متذکر شدیم آوارگان بر مبنای شرایط خاص خود از زمینه بسیار مساعدی برای پیشبرد امر تبلیغ و ترویج سیاست - های انقلابی در راستای بسیج توده های علیه جنگ و جمهوری اسلامی برخوردارند. مسلماً ما باید سیاست و برنامه های خود را در برخورد با آنها بر مبنای درک شرایط و مسائل و خواست های مشخص آنها در عین حال جهت دادن آن در راستای اهداف سیاسی مبارزات توده ای یعنی اعتراض علیه جنگ و مبارزه برای تحمیل صلح تنظیم نمائیم. اولین و مهم ترین وظیفه ما افشاگری علیه جنگ و تمامی مظاهر آن و افشاگری علیه جمهوری اسلامی بعنوان ادامه دهندة جنگ و تبلیغ ایده صلح طلبی در بین آنهاست. وظیفه ای که در شرایطی بسا

سرنگون بادر رژیم جمهوری اسلامی ایران

برخورداری از حداقل امکانات میتوان آنرا
 عدلی نمود. مسئله وخواست آوارگان در کوتاه
 مدت و خاتمه یافتن وضعیت فعلی و فراهم
 شدن شرایط مساعد برای بازگشت به شهر و خانه
 و زندگیشان است. ولی در کنار این برای تمامی
 آنها بیرون آمدن خواست با سر نوشت نهائی جنگ
 و امر صلح واضح و آشکار است بهم از اینروست که
 در موارد متعدد در این مضمون ذمیت تود و ها
 و خود را در عرصه عدل به شکل اعتراض علیه
 جنگ رژیم اسلامی نشان میدهند. از سوی
 دیگر شرایط مشخّر معیشت و گذران سخت و
 پر مصیبت آوارگی خود دارای مشکلات زیادی
 است و مسائل متفاوتی را به موازات خود دارد.
 محرومیت از امکانات زندگی گذشته و برخورداری
 از کمترین امکانات ادامه زندگی در شرایط
 جدید و مشکلاتی چون کمبود و گرانی ارزاق و
 حداقل مایحتاج روزمره و کمبود محل اسکان
 و... و دهها مشکل دیگر معیشتی و دشواری
 هائی هستند که عموماً بعنوان مسائل صنفی
 و گذران روزمره و ابعاد وسیعی از مسائل
 آوارگان را تشکیل میدهد. دست و پنجه نرم
 کردن با این مشکلات و اولین نتیجه عینی آوارگی
 است و لزوماً وجه اشتراک همه آوارگان بر مبنای
 شرایطی که در بالا ترسیم شد با اتکاء به روحیه
 تعرض تود و ها وظیفه ما اساساً سازماندهی
 مبارزات آوارگان در راستای مبارزه علیه جنگ
 و علیه رژیم اسلامی است. ما باید بتوانیم متکسی
 به ذمیت آماد و آوارگان و بهره گیری از

شعارهای درست و به موقع و با استناد و از
 لحضات و فرصتهای مناسب و بی اعتسالی و
 نقابله های موردی و انفرادی و اعتراضات
 پراکنده و نیمه علس آنها را به مرجی مستحکم
 از مبارزه علیه جنگ تبدیل نمائیم. در عین حال
 با توجه به وضعیت مشخص آوارگان یعنی ابعالی
 واقعی و گسترده مسائل معیشتی و نمیتوانیم
 بدون توجه به این مسئله سیاست درستی را در
 برخورد با آنها اتخاذ نمائیم. آنها برای
 تأمین معیشت و گذران روزمره خود همواره
 با مشکلات فراوانی روبرو هستند. ما باید بتوانیم
 در عین حال که عمدتاً تلاش خود را مطلقاً در
 ارتقاء و هدایت مبارزات آنها قرار دهیم ولی
 در کنار آن برای تنظیم و هدایت امورات روزمره
 آنها و برای هدایت کردن خواسته هایشان در
 راستای اعمال فشار بر رژیم اسلامی و برنامه
 داشته باشیم. اما آنچه که مسلم است هدایت
 مبارزات آوارگان و پیشبرد سیاستهای انقلابی
 در این رابطه مسلماً بدون ایجاد تشکلهایی
 برای رهبری مبارزات آنها علس نخواهد بود.
 ما نباید به تبلیغ و انتشارگری صرف بسند و کیم
 باید تلاش خود را در این بگداریم که متناسب
 با شرایط جدید و وضعیت مشخص هر یک از
 مناطق و مراکز استقرار آنها و متکی به شناخت
 و اتباطهای گذشته دست به تلاش برای ایجاد
 تشکلهای تود و های بزیم تشکلهائی تود و ای
 در بین آوارگان تشکل هدایت مبارزات مشخصاً
 بقیه در صفحه ۳۱

طی عملیات دلیرانه پیشمرگان . . .

صبحگاه روز دوشنبه ۲۰/۳/۶۴ مزدوران جمهوری اسلامی مستقر در منطقه بانه و تعداد زیادی از نیروی ضربت خود را روانه پایگاه تخلیه شده تازه بان نمودند تا مجدداً آنرا بازنه کنند. این نیرو که از قبل برای غنیمت کارآماده شده بود در ساعت ۶/۵ صبح به پایگاه منور رسید و در آن مستقر شده و به استحکام کردن سیستم دفاعی آن مشغول شدند. پیشمرگان قهرمان و فدائیان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که در منطقه حضور داشتند در ساعت ۷/۵ صبح از ورود مزدوران مطلع شده و بلافاصله به همراه یک دسته پیشمرگان ارتش‌رهای بخش، خود را به بلندپه‌ای نزدیک پایگاه رسانده و یکمیزدوران نشستند. پیشمرگان تعرض خود به مزدوران را که در اطراف و پشت خاکریزهای دور پایگاه مستقر شده بودند در ساعت ۸/۵ صبح آغاز کردند.

مزدوران مستقر در اطراف پایگاه که قدرت مقابله با تعرض برق آسای پیشمرگان را نداشتند، خود را به پشت خاکریزهای پایگاه رسانده و از آنجا بمقابله با پیشمرگان پرداختند. در ساعت ۹/۵ صبح، تعداد زیادی از پیشمرگان حزب دموکرات، خود را به منطقه درگیری رساندند و درگیری با شدت هرچه تمام‌تر ادامه یافت. آتش سریع و بی‌امان پیشمرگان، امکان هرگونه عکس‌العملی را از مزدوران سلب نمود. بود و در ساعت ۱۰/۵ صبح شدت درگیری به اوج خود رسید. پایگاه بطور کامل بمحاصره پیشمرگان درآمد و مزدوران مستقر در آن، دائماً از پایگاه‌های مجاور تقاضای کمک می‌کردند. اما هوشیاری پیشمرگان و استقرارشان در مناطق حساس دور پایگاه، امکان کمک رسانی به مزدوران بمحاصره افتاد را از دشمن گرفته بود.

بالاخره در ساعت ۱۱ و ۴۵ دقیقه، صف مقدم پیشمرگان به دستور فرمانده عملیات و به هدف تسخیر پایگاه، خود را به پشت خاکریزهای پایگاه رسانده و جنگ نازنک یا مزدوران پرداختند. هر نازنک پیشمرگان جان هرکس، تعدادی از مزدوران را به هلاکت می‌رساند و رگبار بی‌امان پیشمرگان دیگر، مزدوران را در تنگای سختی قرار داده بود. بدین ترتیب تعداد زیادی از مزدوران در محوطه پایگاه کشته شدند و تعدادی نیز از خاکریزهای پشت پایگاه به فرار گداخته و در پشت سنگ‌های اطراف پایگاه مستقر شده، به مقابله با پیشمرگان پرداختند.

در ساعت ۱۲ با ورود اولین دسته پیشمرگان به درون پایگاه، باقیمانده مزدوران کشته و اسیر شدند و باقیمانده آنها نیز که در پشت پایگاه به درگیری با پیشمرگان ادامه می‌دادند، طی

مدت کوتاهی بهلاکت رسیده و یا به اسارت پیشمرگان درآمده اند .

پیشمرگان پس از فتح کامل پایگاه به جمع آوری غنایم برداخته و یک ماشین توپتای دشمن را در محوطه پایگاه به آتش کشیده و واسرا را از آنجا منتقل کردند . در این درگیری که ۳/۵ ساعت بطول انجامید هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد و تنها چند تن از پیشمرگان جراحات سطحی برداشتند .

• • •

۷

مجموعاً ۴۴ تن از مزدوران در این درگیری بهلاکت رسیدند که اجسادشان در صحنه نبر و باقی ماند . نام و مشخصات ۴۴ تن از آنها که مورد شناسایی پیشمرگان راه کارگزار گرفتار عسارت از عبارتند :

۱- ستوان سوم سید جلال صالحی	اهل کرج	تکاور (نیروی مخصوص) و فرمانده پایگاه
۲- گروهبن دوم احمد طاری	شیراز	" " " "
۳- " " " " سلیمی	تهران	" " " "
۴- " " " " ابراهیم اسزاری	تبریز	پیاده
۵- " " " " رازوش	تهران	مین یاب رسته مهندسی
۶- علی باقریور	اهل لرستان	سرباز
۷- صاحبی فرید	اهدان	" " " "
۸- علی پناه صادقی	" "	" " " "
۹- پال ورقاسمی	تبریز	" " " "
۱۰- برات ندائی	" "	" " " "
۱۱- خیرالله جوادی	اهدان	" " " "
۱۲- علی جعفرزاده	تبریز	" " " "
۱۳- محمد جلالی	خوزستان	" " " "
۱۴- جابریعادی	" "	" " " "
۱۵- شیوین علی دریائی	اهدان	" " " "
۱۶- علی نامور	مشهد	" " " "
۱۷- علی بزرگدخت	تبریز	" " " "
۱۸- علی سرحدی	بند عباس	" " " "
۱۹- غلامرضا هکاری	اهدان	اهل بند عباس سرپا
۲۰- محمد زارع	" "	" " " "
۲۱- ناد علی صفوی	شیراز	" " " "
۲۲- علی بختیاری	" "	" " " "
۲۳- حمید ربارانیان	بند عباس	" " " "
۲۴- احمد جعفری	تبریز	" " " "
۲۵- علی ناصری	" "	" " " "
۲۶- محمد فراست	گلیایگان	" " " "
۲۷- علی مرادی	" "	" " " "
۲۸- یاقوب قاسمی	تبریز	" " " "
۲۹- روح الله فیضی	" "	" " " "
۳۰- یارعلی	" "	" " " "
۳۱- وحید نقوسانی	اردبیل	" " " "

عبدالله میرزایی	اهل اردبیل	سریاز	۳۹- توکل خانی	اهل تبریز	سریاز
یدالله شاکری	رشت	.	۴۰- حسین نامور	کاشان	.
محمدرضا جمالی	بوئسهر	.	۴۱- حسن عبدالهی	بندرعباس	.
محمد بختیاری	شاهرود	.	۴۲- سیاب نجفی	-	.
رضان بهرام فر	همدان	.	۴۳- عادل اسدی	-	.
علی صفری	-	.	۴۴- علی شعبانی	تبریز	.
حکمت الله رحیمی	همدان	.			

۱۶۰ تن از مزدوران نیز به اسارت پیشمرگان درآمدند که نام و مشخصات ۴ تن از آنها کجبه
ظ پیشمرگان راه کارگراسیر شدند از این قرار است :

- ۱- گروهباندوم حمزه خوش اندام اهل نسا تکاور
- ۲- کاظم استادی
- ۳- رستم عبدالهی
- ۴- حبیب فرخی

نفرجهایم بخلت جراحات سختی که برداشته بود پس از مداوا توسط پیشمرگان راه کارگر در
خ ۶۴/۳/۲۲ آزاد گردید .

مقادیریزادی نیز غنایم بدست پیشمرگان افتاد که در این بین غنایم پیشمرگان راه کارگر
بست از :

- ۱- آر . پی . جی ۷
- ۲- ۳ پی قنطاق
- ۳- مین یاب الکتریکی
- ۴- بیسم پی . آر . سی
- ۵- موزیک آر . پی . جی
- ۶- مقادیریزادی قشنگ و خشاب و وسایل نظامی دیگر .

سزنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران !

پسر قرا ربا د جمهوری د مکرانیک تود های !

پیروز باد مبارزات عادلانه خلیق کرد !

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

در سهایبی از . . .

... ساحلی (مسقط) را از تپه سرزمین عمان که بوسیله سلسله کوهستانی از هم جدا میشد و تجزیه نموده و به اشتغال خنسو د در آورد. اهمیت این سرزمین با گشایش کانال سوئز که راه دریائی اروپا به هند و آسیا راهزاران کیلومتر نزدیکتر میساخت بیشتر شد و در سال ۱۸۷۱ به موجب قرارداد بی هتورکی سلطان مسقط تحت الحظیه بریتانیا قرار گرفت و سلطان عثمانی مجبور شد توحات بریتانیا در عمان و سایر نواحی شبه جزیره را به رسمیت بشناسند.

باید ایش نفت در حوزه خلیج فارس بعنوان غنی ترین منبع انرژی عمان و رقابتها امپریالیستی بر سر تصرف انحصار بر منابع بیکران نفت و گاز که در میان حمایتی جهان غرب را تشکیل میدهند فزونی یافت و عمان نیز از این کشمکش هابرکنار نماند. بخش ساحلی عمان که حکام دست نشانده بریتانیا تحت عنوان سلاطین مسقط بر آن حکومت میکردند، مدخله امپریالیزم در چار و گرتویهای گردیده بنادر تجاری آن توسعه یافت و شهرنشینی کم رویش رویش گرفت و همواره با این تحول جدید زحمکش شهری بعنوان قشر اجتماعاتی جدیدی موجودیت یافتند. در کشاورزی علاوه بر دهقانان که به شیوه های سنتی مسورد

استثمار فنود الهیا قرار داشتند بهره گیری از کار مزدوری بهمهه بیکاری و بکارگزنسین بردگان بیشتر رایج شد و بورژوا - کیراد ورها بعنوان یک قشر جدید اجتماعی جای خود را در جامعه باز کردند.

اما در بخش کوهستانی و صحرائی سرمایه داری نتوانست نفوذ کند. در این مناطق تولید همچنان بطور عمد به بردامداری و گلله داری مبتنی بود و کشاورزی بطور محدود و جنبی انجام میگرفت. قدرت سیاسی بشیوه سنتی "خلیج" - امامت - در دست روسا و شیخ قبایل متمرکز بود که در راس همه آنها "امام" منتخب شورای شیخ و رؤسای قبایل عمان میشد. برخلاف مسقط و عمان هرگز به تصرف بیگانگان در نیامد و از اینرو سنتهای عمده ای و روابط پدرسالاری و نهاد امامت همچنان در آنجا پایداری میکند. همه این عوامل با ضافه اختلافات قبیله ای و فرقه ای که بدعه، از طرف رؤسای قبایل نیز در آن زنده میشد کینه ای عمیق در دل مردم عمان نسبت به حکام دست نشانده و بعضاً نسبت به مردم مسقط بوجود آورد. در این جامعه عشیروه ای - فئودالی و دهقانان و چوپانان و مردم زحمتکش دامدار و صحرانورد اکثریت جمعیت و رؤسای قبایل و فنود الهیای صاحب زمین و مرتع دار. همواره اعوان و اسلخان و قطب بهره کس را تشکیل میدادند. منطقه عمان علیغیر از رگیرها و رقابتهای امپریالیزم

به بعد جریان امام "غالب" کوشش داشت بسا استفاده از حمایت دیپلماتیک اعراب از طریق سازمان ملل متحد، استقلال عمان و نتیجتاً "امامت" خود را نجات دهد، اما ناسیونالیست ها که بر جنبش توده ها تکیه داشتند سرانجام در ژوئن ۱۹۶۵ از اتحاد سه سازمان "سرازان انقلابی ظفر"، انجمن خویسه ظفر" و "جنبش ملی عربی" جبهه آزاد یخش ظفر را تشکیل دادند، که پس از برگزینی نخستین کنگره خوش، در روز نهم ژوئن هفتاد سال مبارزه مسلحانه را در کوههای ظفار آغاز کرد.

جبهه آزادی بخش ظفار با پیش ناسیونالیستی ملهم از "ناصریسم" که برجهان عرب آن روزگار سایه افکند، بود مبارزه سیاسی نظامی را آغاز کرد و بزودی به مہترین سازمان سیاسی عمان و مقسط مبدل شد. استقبال توده های مردم از جبهه کم نظیر بود. علت روی آوردن توده های خلق به جبهه را باید در چند زمینه جستجو کرد:

الف - ناسیونالیسم جدید شخصی با امپریالیسم، برانداختن سلطه بیگانگان از سرزمینهای عربی و مبارزه برای کسب استقلال از هنگام قدرت رسیدن افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر در مصر در صدر مبارزات جهان عرب قرار داشت و جنبش ظفار هم از این مسئله برکار نیبند.

ب - شرایط ویژه قوی - تاریخی با اشاره

آمریکا و انگلیس بر سر تصرف منطقه "نفت خیز" بومر، که تا سال ۱۹۵۸ طول کشید خود مفتاری و استقلال خود را حفظ کرد. رقابتهای امپریالیستی با انگلیس بر سر نفت حوزه خلیج فارس در این سالها باید یوفتن سهی برای فولامه و سهم برتر برای آمریکا به پایان خود نزدیک شد و از این رود ست بریتانیا برای لشکرکشی، این منطقه و شکست ملک سعود و استیلا، سعید ابن تیمور، سلطان مسقط نشاند، مسقط عمان برای تصرف "بورمی" و سپس تصرف بر سر سر عمان باز شد. لشکرکشی سلطان مسقط به عمان و تصرف نزار توسط سپاهیان انگلیسی بود که جنبش ضد امپریالیستی خود بخودی مردم عمان جوانه زد.

امام "غالب"، پیشروی مذهبی - سیاسی عمان، فاقد ارتش منظم بود. اما بین ۲ تا ۳ هزار نفر از افراد داوطلب از وی حمایت میکردند و ضمناً "از حمایت نظامی و مالی عربستان و مصر هم برخوردار بود."

گمنگنوش مبارزه و پیرویش

جبهه آزادی بخش

از هنگام استیلا سلطان سعید دست نشاند، در جریان برای مبارزه در راه آزادی و کسب استقلال عمان بوجود آمد. یکی جریان امام "غالب" و دیگر جنبش بود که عمدتاً خود بخودی بود و بعداً سازمان های ناسیونالیستی متجلی گردید. از سال های ۱۹۶۰

شد که مردم عمان در طول تاریخ استقلال خویش را حفظ کرده و تن به تسلیم نداده بود. روح سلطنتی و خصمتهای قبیله‌ای به موازات حفظ سنتهای مذهبی، قومی یکی از عوامل قابض ملاحظه در گرایش روسای قبایل و گله‌داران به مبارزه ضد پیگانه بود.

ج - ستم مضاعف ملی - طبقاتی و کسبه و هفتان و زحمتکشان و پرولتاریا را بسمت انقلاب گسیل می‌داشت.

د - شیوه حکومت سعید دست نشانده که روش‌های قرون وسطائی را اعمال میکرد و از هرگونه رفوی سرپا میزد و موجب شده بود انتشار هرچه بیشتری از مردم رود روی حکومت قرار گیرند.

ه - شکست ناسیونالیسم عربی ناصری و انصراف‌های وی از حیطه امام - غالب، جنبه آزاد ییخس را بمنوان تنها سازمان مبارز توده‌های عمان درآورد.

اما مہتر از همه اینها شیوه عمل انقلابی جنبه ظفر بود، که توانست مبارزه گستردہ توده‌ها را سازمان‌دهد و بیانگر خواست‌های تاریخی - سیاسی و اجتماعی آنان باشد. جنبه در مناطق آزاد شده دست به کار ساختن مدارس و روانگه‌ها شد و برای نخستین بار به آموزش کودکان و بزرگسالان عضو جنبه پرداخت. آموزش سیاسی توده‌ها و آگاه‌سازی طبقاتی دادن به آنها همراہ با مطالعه مبارزات

خلفهای ویتنام، الجزایر، چین وین در دست کار قرار گرفت.

کوشش برای حل مسئله زمین و تقسیم عادلانه مراتع در نواحی آزاد شده از مسائلی مهم بود که کفایت و لیاقت جنبه را برای تودہا در دستر مبارزات سیاسی و واقعیت اجتماعی نشان میداد.

شکست اعراب در ژوئن ۱۹۶۷ از اسرائیل ناسیونالیسم عربی را بیش از پیش زیر علامت سوال قرار داد و پیروزی جنبه آزاد ییخس یعنی در بربرون ریختن انگلیسی‌ها از عد و کسب استقلال که مارکسیست‌ها آن وزنه قابل ملاحظه‌ای بودند، همراه با ادامه پیروزیها در ایالت ظفر، جنبه را برآن داشت تا میان طبقاتی و گسترش مبارزات در مکراتیک را تقویت نماید. بطوریکه در رکورد دم جنبه که در "خبرین" واقع در رمن در مکراتیک برگزار گرد تزه‌های مارکسیست‌ها بدوفته شد و همین امر موجب خروج ناسیونالیست‌های افراطی از جنبه گردید.

کم و کم "حرمین" اگرچه نقطه عطنی در تارخ سیاسی نه تنها عمان بلکه خلفهای منطقه بود زیرا رهبری پرولتاریا برای انقلاب در مکراتیک ضد امپریالیستی و بدویش تزه‌های جهانشمیر لندن در امر انقلاب ملی و امکان گذار انقلاب ملی به سوسیالیسم را فراهم می‌ساخت و بیند جهانشمول مارکسیستی را جایگزین دیدگا - های تنگ نظرانه و بورژوازی ناسیونالیست

فی نمودند، اما ما سناغه ين اشتباه فاحش تا -
 یخ هم بود. زیرا اعلام چنین جزو خشن آید شو
 - لوزيك خلیل بی موقع بود، بخصوص اگر توجه
 شود که در یمن د مكراتيك علی رغم وضع بهتر
 پرولتاریا ضمیمه پرولتاریا، مارکسیستها تا ده سال
 پس از کسب استقلال و تداوم انقلاب د مكراتيك
 و گذار به انقلاب سوسیالیستی از اعلام سریع
 موضع آید لوزيك بدلیل تبلیغات سود شمان
 طبقه کارگر، امتناع داشتند چه روی جبهه
 که بعد از کنگره "جبهه خلقی برای آزادی عمان
 و خلیج" اشغال شده "تغییر نام داد، باعث
 شد تبلیغات ضد کمونیستی تحت عنوان دفاع
 از اسلام توسط ارتجاع منطقه گسترش یافت و
 بخشی از ناسیونالیستها که تا ۱۹۷۰ بسا
 جبهه همکاری میکردند در این سال دست
 به انشعاب بزنند. (۱)

ریشه انحراف آید لوزيك چه رابط طور
 خلاصه در سه زمینه مشخص میتوان بیان کرد:
 الف - شکست ناصریسم که با بیان و فرامیسم
 و هزنوع سوسیالیسم تخیلی در جهان عسرب
 بحساب می آید.

ب - پیروزی جبهه آزاد ییخشی یمن که
 مارکسیستها نقش تعیین کننده ای در آن
 داشتند.

ج - مهر و یا لاثراز همه الهام

از مائوئیسم بود که جبهه خلقی برای آزادی عمان
 نیز مانند دیگر جنبشهای منطقه در شرایطی
 پدید آمدند که حزب کمونیست چین خود را حامی
 اصلی نهضت های رها نییخشی اعلام کرده ظاهر
 "د برابر پرولتاریا سوسیالیسم خروشیخشی از منافع پرولتاریا
 و خنشهاده نفع میکرد اما این جنبشها ما سناغه
 تنها "چی" را د یانته در حالی که راست
 روی مائوئیسم را که زوی سکه مائوئیسم
 بود د یوتر از موقع دریافتند. تا سال ۱۹۷۲
 که فضاخت خیانت روزیونیه ستهای جینیسی در
 سازش با امپریالیستها در سطح جهانی و
 ارتجاع منطقه ای در خاورمیانه آفتابن ششده
 نهضت رهائیبخشی عمان نه تنها به کمکهای مادی
 بلکه به تئوری های اجرایی حزب کمونیست چین
 و د ريك مکانیکی از کسب همزونی در جبهه وابسته
 بسود.

اج گیری انقلاب خلقی عمان در دهه ۷۰
 که با پیروزی خلقهای هند و چین همزمان
 بود امپریالیزم را به اتخاذ سیاست جدیدی
 و داشت و آن سیاست "ویتنامی کردن" بود
 بر اساس این سیاست امپریالیزم از مداخله
 مستقیم خود داری کرد و ارتجاع منطقه ای
 را بجای خویش یکسار گرفت. ناتوانی
 انگلیس در دهه ۶۰ در رفرو
 نشانندن انقلاب د رایالست

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

ظفر باعث شد که پس از تحویل شکست‌های
پیاپی، سعید این تیمور با کودتای ۱۹۲۰
برکار و فرزندش قابوس را که در بریتانیا آموزش
دیده بود جایگزین وی سازد. بحران جهانگیر
سرطایه داری که پیش از همه گریبان امیرالایم
انگلیس را گرفته بود زیر فشار جنبش‌های رهایی
بخش و آنرا وارد ار به خروخ از شرق سرسوز کرد.
خروج بریتانیا از منطقه خلائی ایجاد کرد که
میایست یزودی پر شود. جویان این خلا
قدرت و خود را از یکسود سرهم بندی کردن
اتحادیه‌ای از شیخ و امیران متوجه منسوب
خلیج فارس نشان داد و از سوی دیگر با مساج
کردن نگاه خائنی بعنوان زاندارم منطقه
نمودی دیگر یافت.

کودتای ۱۹۲۰ که با این تحولات همزمان
بود توانائی امیرالایم را در برکار گرفتن دیپلازوی
ضد انقلابی رزم و سرکوب نشان داد. سرآغاز
این رزم‌ها برکاری سعید بین تیمور خریدن
روسای تباریل، ایجاد مدارس برای فرزندان
لبنیا و فراهم ساختن زمینه رشد فاسادیت
سرمایه داری وابسته بود. ۱۹۲۰ء اعصاب و
اسرائیل و مجموعه شلیط حاصل از آن و افزایش
بهای نفت، ارتجاع منطقه جنبه شاه خائن را
اعتباری مؤتی بخشید و حلیت منطقه ای لازم
را برای قابوس دست نشاند را فراهم ساخت.
پیدا این نفت در وطن که توسط شرکت
"شل" استخراج می شد و توسط رزند گمان
جیبه خلق قطع گردیده بود انگیزه دیگری در

تسریح حرکت امیرالایم برای "بیان دادن" با
جهت عمان بود.

از سال ۱۹۲۳ء ارتش مزد ورشاه با پیشرفت
ترین جنگ افرارهای نظامی با حلیت ارتش
بریتانیای مستقر در عمان و کنگ مزدوران
حسین علیه انقلابیون عمان وارد گرزار شد.
تنگ‌های مدین چ یقتن و توپخانه ۵۵ میلی
ترکیبا حملات هلی کوترهای توپ دار و بمب
های فانتیم با بهره گیری از پایگاه‌های نظامی
امیرالایم در صلاه و مسقط و جزایر کورو
موری و مصیره و در یه کوکار سیده وحشیان
ترین تهاجم نظامی را علیه انقلابیون بر
انداختند. امیرالایم سیاست زمین سوخته
را در ریش گرفت و روستاها و مناطق کشاورز
زیر شدیدترین بمبارانها قرار گرفت، مزار
بابب با تنش کشید و شد و دام‌ها بارگبار مسل
ها و راکت‌ها نابود شدند. بسیاری از هد
نان و گله در ارا ن همتی خوش را از دست
دادند و رهسپار مناطق "اص" تحت سلطه
دشمن شدند و پس از ناکامی در شهرها
رهسپار مناطق دیگر خلیج فارس و شیخ نشین
منطقه گردیدند. هرچند واحد‌های مونتا
و مؤسست اداری و خدولتی چندی در مناط
تحت سلطه دشمن پدید آمد اما اینها
جوابگوی انبوه مردمی که یا تحت تاثیر تبلیغ
و یا زیر فشار بمبارانها بدلتجا روی می آورد
نبود. جیبه خلق از ۱۹۲۶ به بعد عق
نشینی تاکتیکی را در برابر این تهاجم یکبار

و در هر آورد گاه، ه ه ه ه ه گ کرد تا هر دو بتوانند د
بی انتفاع گسترش یابند بر کارائی استراتژیست
خود بیفزایند * (۳)

جبهه آزاد یخش عمان از لحاظ تبد یسل
جنگ چریکی به جنگ تود ه ای موفق بسود ه ه
بطوریکه توانست د رایالت ظنر بموقعیت های
شایانی نایل آید و به استثنای صلا له سرکبزر
ظنار که با سیم خارد ار و تانکهای مسدن
محاظقت میشد، تمام ایالت را یا ۱۰ درصد
خلك آن و ۲۰۰ هزار جمعیت آزاد ساخت
اما جبهه از لحاظ پشت جبهه ای قوی و

رخنه د ر شهرها و نقش مهمی که شهر میتوانست
در گسترش انقلاب د اشته باشد توانست
هماهنگی لازم را ایجاد کند . جلیپ میگوید
" بنیان مواضع مستحکم د رضاطق کشاورزی،
پی گرفتن نبرد خلق د زواحی روستائی و
شهری بسط و د آمیختن د قیق رخنه های
تعرض علیه دشمن باید بر اشکال ضاسب و
د رنرسه منطقه استراتژیکی ه کوه ها، دشت، عا
شهرها میتنی باشد . میاید مبارزه سلیسی
را با مبارزه نظامی ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
صحنه نبرد را از شهر به کوه و دشت و از
دشتها به شهر و کوه کشانید ه و مبارزه نظامی
را با فعالیت د کراتیک تود ه ای ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
ساخت." (۴) اما جبهه با اهمیت جلیو ه
د ان مبارزات د کراتیک تود ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
به جنگ جبهه ای ه د رحالی که د ر بهترین
موقعیت خود بیش از ۲۰۰ هزار جنگجو

امپریالیزم و مزد وران د اخلی محلش د ر پیش
گرفت و د ری این عقب نشینی ها که کامسلا
نیز موجه بود از ۱۹۷۷ د رصد تند و سیسن
استراتژی جدیدی که متناسب با تغییرات و د گر
گونی های د ر ساخت اجتماعی بود، برآمد .
زیرا بد نبال گسترش د ر جی مناسب سرمایه
د لری وابسته ه وزن پرولتاریا ونیمه پرولترها
د ر ساخت اجتماعی جاضه بالا رفته و بورژوازی
وابسته به برکت سرمایه های امپریالیستی و
د لارهای نفتی شیخ منطقه ه نضج بیشتری
میگرد . (۲)

د رس های که میتون گزنت

اینک د ر شرایطی که جبهه خلق برای آزادی
عمان د رحال سازمانده ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
تحکم پایگاه خود د ر میان طبقات و قشرهای
نوین اجتماعی است ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
مبارزه خلق عمان میتواند پاسخگوی مسائلی
باشد ه که کم و بیش مبتلا به همه جنبشهای مشابه
است :

۱- جنگ تود ه ای

" جنگ چریکی باید به جنگ ضظم بسط
یابد و این د و باید ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه
باشند . این قانون کل د ر نبرد د راز مدت
انقلابی است . مسطه رهبر نبرد، آگاهان بر
این امر است که کی و کجا جنگ چریکی به جنگ
منظم بدل شود و کی و کجا میتوان آنها را از
نزد یک و به تناسب د ر هر دو و د ر هر

و بهره گیری از پیوند و یاریهای اردوگ—
سوسیالیست تاجه حد در امر پیروزی انقلا
د مکراتبک به سمت گیری سوسیالیستی آن
ویتنام، لائوس، و کامبوج. موش بود.

اما در این مورد در دریا پرتهاجم هم
جانبه امپریالیسم که به مباشرت شاه خائن ا
و ملک حسین مزدور انجام بگیرت جبهه خ
عددا از حمایت یمن دمکراتیک برخوردار بود
نتوانست از حمایت فمالتر کشورهای سوسی
لیست بهره برگیرد.

اهمیت این مسئله زمانی روشن میشود
در نظر بگیریم کل بودجه نظامی یمن دمکر
در سال ۱۹۷۴ و ۲۹ میلیون دلار برآورد.
در حالی که در همان زمان بودجه ارتب
آمریکای شاه که به حمایت از سلطان قاه
وارد عمل شده بود، ۵/۵ میلیارد دلار ی
این امر تا حدود زیادی بیانگر ضعف
با کشورهای سوسیالیستی و ضعف ارتباطت
تکونیروهای انقلاب جهانی با انقلاب عمان
(نقل از "راه کارگر" دور اول، ص ۷۷)

۷۷- ۱۸ خرداد ۶۰)

زیر نویس:

- ۱- انقلاب ظفاره "جموده کرامه" ۷۶ و ۷۷ ان
رات کمیته فلسطینی صفحه ۴۸
- ۲- نقل به معنی از مصاحبه رفیق عبدال
القاضی، از رهبران انقلاب عمان با مجله ا
۳ و ۴- نگین جیاب، نبرد آزاد بیخشن ویت

در اختیار نداشت و مرکب اشتباهات فاحشی
گردید که از برداشت الگوبردارانه از تـسز
محاصر متهربنا توسط روستاها ناشی میشود و
اهمیت لازما به نقش تاریخی طبقه کارگر و
مبارزه در شهرها نمیداند.

۲- سیاست جبهه‌های

کمونیستهای ویتنام با وجود اینکه بنسوان حزب
طبقه کارگر تشکیل یافتند اما در مقاطع مشخص
تاریخی برای جلب توجه‌های همین پرست جبهه
های گسترده میهنی را تشکیل میدهند. ویت‌مین
در مقطع ۱۹۴۵ و ویت کنگ در مقطع ۱۹۶۰
اما مارکسیستهای عمانی بجای تشکیل جبهه‌ها
شرکت سازمانها و گروهها به کسب شرفی از
طریق تشکیل حزبی ناتوانی خویش را در اتخان
نرمش تاکتیکی نشان دادند، عدم نرمش
تاکتیکی بخشی از یاران و دوستان خلق را به سمت
اردو دشمن سوق داد و برخوردار ناصحیح با
بروسای قبایل و متنفذان محلی که با فقدان تبلیغ
توده‌ای برای خشنی ساختن تبدیفات دشمن
همراه بود، بسیاری از آنان را طعمه دشمن
ساخت و روند توده‌ای شدن انقلاب را بعد
از ۱۹۷۰ با اشکال مواجه ساخت.

۳- نقش کشورهای سوسیالیستی

تجربه ظفر نمون انقلاب دمکراتیک— ضمد
امپریالیستی خلقهای هند و چین بخوبی نشان
داد که متکی بودن به نیروهای درونی انقلاب—
در درجه اول و بعنوان شرط مقدم پیروزی،

کدام پیروزی

... دمکراتیک احترام گذاشته شود نیازمند است معیارهایی که بر اساس آنها امکان واقع من مهاره سیاسی در بین نیروهای مردمی بوجود آمده و بدین ترتیب زمینه بروز چنین درگیریهایی بطور جدی از بین برود. اما برای دست یابی به چنین معیارهایی، قهصل اگر همه و پیش از همه، وجود فضای مناسب ضرورت دارد. در شرایطی که تشکک پیشمرگان پسوی همدیگر نشان داده و هر روزه درگیری هاین بین نیروهای دو طرف رخ میدهد دست یابی به این معیارها ناممکن است. تبلیغات جنگ افروزان از طرف نیروهای درگیر هر روزه اوج بیشتری میگیرد. هر یک از طرفین، دیگری را به همکاری با جمهوری اسلامی برای ضربه زدن به نیروهای خود متهم میکند این یکی افتخار کشتن پیشمرکه دیگری را بخود نسبت میدهد و آن دیگری سعی میکند که چنین افتخاری را بحساب رژیم فقها بویزد و ... و مردم کردستان هر روزه شاهد دهها نمونه از این نوع تبلیغات سخیفتند. در چنین شرایطی نمیتوان به دست یافتن براه حلهای اصولی امیدوار بود. تنها با قطع تبلیغات جنگ افروزان و قطع فوری درگیریهاست که میتوان محیط و فضای مناسب را برای رسیدن به اصول و

معیارهای دمکراتیک فراهم ساخت. از این نظر مقدم ترین وظیفه طرفین درگیر اینست که به قطع فوری درگیریها و تبلیغات جنگ افروزان تن دهند تا شرایطی مناسب برای حل ریشه ای مسئله فراهم شود. کومه له فکر میکند که پس از برافروختن جنگ داخلی و تحت عنوان باصطلاح "تعرض مقابل" و با دست یافتن به آتش پس به پیروزی دست یافته است و در حالیکه بدین ترتیب تنها عدم احساس مسئولیت خود را نسبت به جنبش انقلابی خلق کرد باقیات رسانده است.

کمکهای دریافت شده

مبلغ	نام
۱۲۰۰۰	ع
۵۰۰۰	م
۵۰۰۰	ق
۳۰۰۰	ر
۵۰۰	مادر - ش
۳۰۰	رفیق - ح
۳۰۰۰	ن - الف
۵۰۰۰	رفیق - س

اخباری از جنبش کارگری و تشوذه‌ای سراسری

به نقل از نشریات وابسته به سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

اعتماد به سراسر روزنامه کارگران قم — بهرمان
پیسرو نیسیل یسارس

تلاشهای ضد کارگری رانقش برآب ساختن عوامل رژیم فقها را در هفتاد مدیریت دولتی رسوا ساخته‌اند. از جمله در تاریخ چهارم ۱۳۶۲ کارگران در اعتراض به عدم پرداخت این ۲۰۰ روزمزدانه به یازده اعتصاب کوتاه مدت و موفقیت آمیز دست زدند. از اوایل دی ماه سال جاری کارگران برای حمایت از این اقدامات از پرداخت این ۲۰۰ روز حقوق به مسئولین بالا مرا جمع می‌کنند و جوابهای بالا و متناقض را دریافت می‌کنند تا اینکه عده‌ای از کارگران نزد مدیرعامل کارخانه رفته و خواستار روشن شدن تکلیف این ۲۰۰ می‌شوند. مدیرعامل کارگران را به تسخیر گرفته و میگوید بجای ۲۰ روز ۴۰ روز به شما عیدی می‌دهم. این موضع بعد از اطلاع

کارخانه پیرو نیسیل یسارس تولید کننده انواع پیرو نیسیل جنبش می‌باشد. این کارخانه در جاده مخصوص کرج واقع شده و قریب به ۴۰۰ نفر کارگر در این واحد تولیدی مشغول به کار می‌باشد. کارگران این کارخانه بنا به رسم همه ساله و در آستانه سال جدید علاوه بر ۲ ماه حقوق بعنوان عیدی ۲۰۰ روز حقوق نیز بعنوان پاداش دریافت می‌کنند و این ۲۰۰ روز اضافه حقوق در سایه مبارزات کارگران در دوران رژیم پیشین حاصل گشته است. اما گرچه بعد از انقلاب همین مقدار ناچیز عیدی بارها و بارها از سوی رژیم کارگر ستیز اسلامی و سه لطیف الحیل مورد دست اندازی قرار گرفته است. لیکن کارگران دلیر این کارخانه بسا مقاومت و اعتراضات یکپارچه خود تمام این

وی گوید " که از این حرکت افراد فرصت طلب بهره برداری میکنند و نباید دست به اینکارها زد " و ادامه میدهد که " شباهت سرکارتان باز گردید تا ما در مورد آن تصمیم بگیریم " کارگران در همانجا اعتراض کرده و می گویند ما همینجا می مانیم تا شما تصمیم نهائی خود را بگیرید . و نتیجه هیئت مدیره اراده مصمم کارگران را مشاهده میکنند و می گویند که در حال حاضر پولی در ساط برای پرداخت نداریم اما قول میدهم که آنرا در اسرع وقت پرداخت نمائیم . آنگاه یکی از نمایندگان کارگران می گوید که ما هم قول شما را قبول نداریم پس لطف کنید و این قولتان را روی کاغذ نوشته و تک تک اعضای مدیریت نیز زیر آنرا امضاء کنید . تا سندیت لازم را داشته باشد .

مدیریت مخالفت می نماید ولی با فشار کارگران و ادامه حرکت ناگزیر به قبول ایسین خواست کارگران شده و تسلیم آن میگردد همچنین نمایندگان کارگران بار دیگر به مدیریت گوشزد می کنند که اگر زیر قولتان بزنید بار دیگر به سرافقتان آمد و و این بار کارتان را یکسره خواهیم کرد . سپس در حالیکه علائم و نشانه های پیروزی این اعتصاب ۲ ساعته در چهره فرد فرد کارگران میدرخشید ، کارگران بسمت سالن غذاخوری حرکت کرده و این موفقیت را به یکدیگر تبریک گفتند .
(از اخبار رسانی " اتحاد کارگران) .

عمم کارگران خشم آنان را بر بی انگیزانده در پی مشورت کارگران بایکدیگر نفر از جانب کارگران بعنوان نمایند و انتخاب میشوند و روز چهارشنبه اول اسفند ماه ۶۳ نزد مدیر عامل میروند . مدیر عامل بار دیگر هلن اراجیف طسسه آمیز را تکرار کرده و میگوید بجای آرزو ۴۰ روز میدهم و سپس باقیانفاه ای جدی میگوید " که نه خیر آقا عیدی بی عیدی " و نمایندگان کارگران نیز این سخنان مدیر عامل را بی جواب نگذاشته و با حضور خود در داخل سالن کارگران را دعوت به اعتصاب میکنند . سپس تمام کارگران بطوریکیارجه دست از کار کشید و پسوی دفتر مدیر عامل روانه میشوند و به ساختمان اداری هجوم آورده و اتاق کار مدیر را به محاصره خود در می آورند و پس از باز کردن در اتاق مدیر در همانجا متحصن میشوند . آنگاه یکسری از کارگران شروع به صحبت میکنند پس از دادن توضیحاتی در زمینه مشکلات زندگی کارگرمین و مصائب طاقت فرسای گرانی و تورم و کارگران را به مبارزه برای گرفتن حق خود تشویق کرده و همچنین هرگونه افتراء و برجسب زنی از سوی مدیریت را افشاء و محکوم مینماید این سخنرانی کارگر مبارز با تأیید عموم مواجه میشود . اعضای هیئت مدیره که از یتانسیسل مبارزاتی و مقاومت متحد کارگران به هراس افتاده بودند عقب نشینی کرده و یکی از اعضای هیئت مدیره اجازه صحبت خواسته و کارگران را به . . . آرامش و بازگشت به کار دعوت میکند

ویران شده بود، شروع به دادن شمار های
علیه رژیم جنگ افروز می نمایند. مزد و را
جنایتکار بسوی مردم تظاهرات کنند، تیرانداز
نموده ۵ نفر شهید و تعدادی نیز زخمی
میشوند. ۱۰۰ بزدوران سپس به تظاهرات کنند
حمله کرده و تعدادی را دستگیر میکنند.
کرنند غرب و

شهرستان کرنند غرب که در ۱۰۰ کی
متری باختران واقع شده است در بعد از ظ
استفاد برای اولین بار توسط هوایماها
عراقی بمباران میشود. مردم کرنند غرب خشم
نفرت خود را از رژیم جنگ افروز خمینی در
تظاهرات گسترده به نمایش میگذارند. مزد
رژیم اسلامی بسوی تظاهرات کنندگان تیرانداز
نموده و ۲ نفر را به شهادت میرسانند و سه
با بیروتی به صف تظاهرات کنندگان ۱۵ الی
نفران زاهالی را دستگیر می نمایند.

بروجرد

بدنبال حملات موشکی عراق به شهر
بروجرد که شجره شهادت حدود ۳۰ نفر
از اهالی و بیش از ۲۰۰ زخمی گردید و خد
قابل توجهی بیمار آورد، بهنگام خاک سپا
قربانیان این حادثه در گورستان شهر، م
بیک تظاهرات گسترده و با شمارهای ع

اعتراض کارگران شرکت
دخانیهات ساری
در تاریخ ۴ دیماه ۶۳ عده زیادی از
کارگران این کارخانه به منظور دریافت اضافه کاری
و افزایش دستمزد در محوطه کارخانه اجتماع
می نمایند. مدیریت کارخانه از پاسخ به خواست
کارگران طفره می رود، و با ایستادگی کارگران و
مرتبا کارگران دیگری نیز به آنها پیوسته و همگی
در اتاق مدیریت اجتماع میکنند. مزدوران
اداره کار برای خواباندن حرکت اعتراضی
کارگران و به منظور آنکه اعتصاب در کارخانه فرا
گیر نشود، با وعده و وعید و فریب کارگران را
مقتا. عدمیکند که به سرکار خود بازگردند تا
بعدا آنان به خواست کارگران رسیدگی نمایند.
(از اخبار ارسالی نشریه "پیام سرخ" مازندران
- وابسته به سازمان)

تظاهرات ضد جنگ

کرمانشاه

بدنبال بمباران باختران توسط هوایما
هلی عراقی در بعد از ظهر ۲۴ اسفند مردم
باختران در یکی از مناطق بمباران شدت جمع
نموده و در ضمن کمک و همیاری به مردمی که
عزیزان خود را از دست داده و خانه هایشان

پیش بسوی سازماندهی هژمونی طبقه کارگر

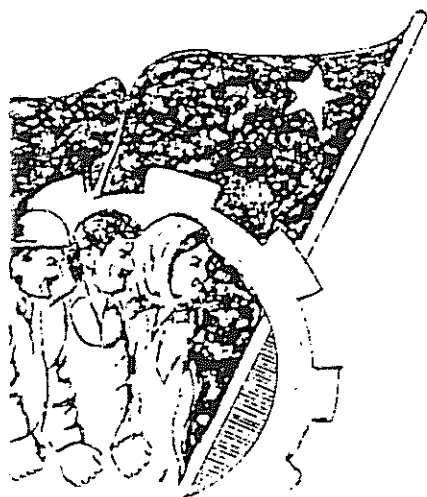
● مقام است انقلابی
 مردم ده نسو (اضطرابیان)
 محله "ده نو" در فاصله ۴ کیلومتری
 اصفهان واقع شده و پیش از ۵ هزار نفر جمعیت
 دارد. اکثریت اهالی را دهقانان و رشکسوز
 کارگران کارگاههای کوچک تشکیل میدهند.
 در حدود سه ماه پیش مردم این محله در
 اعتراض به کوبن های روستایی و خواست درایت
 کوبن های شهری به فرمانداری اصفهان مراجعه
 و خواسته های خود را عنوان میکنند. مقامات
 جمهوری اسلامی خواسته های مردم را ناپاییده
 گرفته و بعدت سه ماه هیچگونه پاسخی نمیدهند
 اعتراضات اهالی طی این مدت بصورت فردی
 و پراکنده انجام میگرفت. در تاریخ ۱۳/۱۱/۶۳
 حرکت متحدانه و یکپارچه اهالی زحمتکش شجر
 به پستی و ایجاد راه پندان در خیابانهای
 اطراف دروازه تهران - اصفهان میگردد. در
 این روز بیش از ۲ هزار نفر از مردم این محله
 شامل مرد و زن و پسر و جوان در وسط
 خیابان نشسته و صدای اعتراضشان را به
 گوش دیگر زحمتکشان میرسانند. زحمتکشان و
 خشم انقلابی خود را با واژگون کردن چند
 اتومبیل و سوزاندن تعداد زیادی لاستیک
 نشان میدهند. در ساعات اولیه خیزش
 انقلابی زحمتکشان و پاسداران سرمایست و
 جنایت و برای جلوگیری از حرکت توده ها و
 ضمنی در متفرق کردن مردم مینمایند که
 با مقاومت و عکس العمل شدید مردم زور و

زخم و علیه جنگ دست زدند. مردمی که در
 گورستان تجمع کرده بودند، در ایندها -
 خواست مقامات حکومت و مزدوران رژیم که
 میخواستند مردم را به دادن شعارهایی به
 نفع جنگ تحریک نمایند، کاملاً سکوت کردند و
 با سکوت خود مخالفت خود را با جنس
 خانمانسوز رژیم ولایت فقیه ابراز داشتند.
 اهالی بهنگام ترک گورستان با دادن شعار
 های علیه جنگ نفرت و انزجار خود را از رژیم
 جنایتکار و جنگ افروز به نمایش گذاشتند.
 مزدوران رژیم با حمله به صف تظاهرکنندگان
 تعدادی از اهالی را دستگیر نمایند.
 اصفهان

در اولین حمله سوابی و پاسبانان اصفهان
 توسط هواپیماهای عراقی و در خیابان آذری
 نیروی بیمارستان عیسی بن مریم ۴ الی ۵ نفر
 کشته میشوند. در همین هنگام نیروی
 شروع به دادن شعار و فحش به خمینی جنگ
 افروز مینماید که پاسداران بطرف او حمله
 برده و دستگیر مینمایند. مردم که شاهدند
 این ماجرا بودند با حمله و کتک زدن پاسداران
 مزدوران را مجبور به فرار مینمایند، سپس
 مزدوران رژیم با نیروی بیشتری بازگشته و
 مجدداً ببرد مردم زور را دستگیر مینمایند که
 از سر نوشت او اطلاعی در دست نیست.
 (به نقل از نشریه "راه کارگر" - ارگان سیاسی
 سازین - شماره ۱۲)

میشوند، رزم ناگزیر میگردد، سربازان و مامورین
شهریانی را بکلی یاسداران جنایتکار برای
باز کردن خیابانها و سرکوب توده، ناگسیل
دارد. اما مردم هر چه بیشتر صفوف خودشان
را فشرده ساخته و فضای سوشال از همبستگی و
همیاری در میان زحمتکشان بوجود میآید.
زحمتکشان بیکدیگر جای و شیرینی می دادند.
مردم جای خود را با شمارهای مرگ برخمینی
و مرگ بر یاسدار صرف میکردند. مردم در
هنگام دادن جای میگفتند: "این را صرف کن
ولی سنگر را ترک نکن". این مبارزان میا
جمعیت شمار یک مرگ یا قتل چند سر میدهند
مردم ۴۰۰، ۵۰۰ استیک را برای آتش زدن
در روزهای بعد آماده میکنند. بازتاب این
حرکت زحمتکشان بحدی بود که در سرکچه
و خیابان اصفهان از حرکت دلیرانه مردم "ده
نو" سخن میگفتند. مظان داران مشرف بسه
این محل مظانهای خود را جهت حمایت
و ابراز همبستگی با مردم "ده نو" بسته بودند
ماشینها چراغهای خود را به نشانه شادی و
ابرار همبستگی روشن میکردند.

در همان ساعات اولیه شروع مقاومت انقلاب
بی مردم، نمایندگان از طرف فرمانداری به
محل میآید. یکی از مزدوران فرمانداری میگو
ید: "ما در شرایط جنگ هستیم و به نفس
اسلام نیست که چنین اعتراضاتی را بپراکند"
مردم با شنیدن حرفهای این مزدور، اعتراض
خود را شدت میبخشند و یاسداران جنایت به



و دانشی باید از ضرر نشدن اقدام نداشتید، و مانع از طرق گوناگون برای رساندن نشریاتتان به منطقه شما تلامهان را ادامه خواهیم داد.

امادر باره سوالاتی که پرسید، باید آیسار شما خود مختاری را برای خلقهای دیگر ایران نیز درست میدانند. پاسخ ما اینست که:

اساسی ترین پاسخ کونیستها به مسئله ملیت های تحت ستم و قائل شدن حق تعیین سرنوشت برای آنها و وارد نمودن این مقوله در برنامه خویش است. خود مختاری یا استقلال یا... اشکال تحقق این حق می باشند که ملیت ها با برخورداری از حق تعیین سرنوشت امکان انتخاب آنها را بدست خواهند آورد. خود مختاری نیز وقتی مطرح میشود که اتحاد داوطلبانه آن ملت با ملیت های دیگر مطرح باشد و در چنین صورتی هر دولت دموکراتیکی باید پذیرش خود مختاری در مورد ملیت های تحت ستم را ضروری و بدیهی بداند و بدان تن بدهد. وقتی ملیتی تحت ستم ملی باشد و اتحاد داوطلبانه با ملیت های دیگر در باره اش مطرح گردد پذیرش خود مختاری در مورد آن امری حتمی و ضروریست. حال اینکه مسئله ملی برای مردم کدام منطقه مطرح است و خود مختاری را برای کدام منطقه باید برسمیت شناخت و ملاک تشخیص این امر چه کسی میتواند باشد باید بگویم که ملاک این امر تشخیص خود مردم، خواست و ضمن جنبش آنهاست. البته تشخیص اینکه مردم کدام منطقه مسئله ملی دارند مشکل نیست و با توجه

پاسخ به نامه ها

رفیق محمد علی ک.

تلاش ما این است که نشریات سراسری و کمیته کردستان سازمان را بدست کلیه علاقمندان آنها برسانیم و آنها را بدست رس همگی قرار دهیم. اما وضعیت کنونی مناطق کردستان و محدودیتهایی که ما بد لحاظ امکاناتمان داریم مانع از این میشود که چنین وظیفه ای را به بهترین نحو انجام دهیم. با این همه بر تلاش خود برای انجام بهترین امر خواهیم افزود و امید داریم که بهتر از پیش قادر به انجام این کار شویم. آنچه میتواند در انجام اینکار یاری رساننده و آنرا هر چه ممکن تر نماید، کمبود خوانندگان و علاقمندان این نشریه است. منظور ما از کمک خوانندگان نشریات سازمان این است که اگر آنها امکان یا آشنایان یا مسافری و هر نوع امکانی از این دست را به معرفت نمایند که بتوسط آنها ما بتوانیم نشریات را برایشان ارسال داریم، ما از طریق این امکانات و نشریات سازمان را بطور مرتب برایشان خواهیم فرستاد.

در مورد خود شما نیز اگر امکاناتی نظیر همین مورد که توسط آن نامه خود را برای ما ارسال داشتید، با معرفی کنید و رسانیدن نشریات بشما سهل تر خواهد شد. ایسار امکانات چند موردی و اتقاقی باشد و چه نظم

آنهاست و بهمین دلیل نیز چنین شعاری را در بزنلحه خود گجانده و بر روی آن تبلیغ و برای تحقیق میارزه، خواهم کرد . در کردستان نیز با توجه بوجود مسئله ملی در اینجا و وجود جنبش خود مختاری طلبانه در آن مساعلاوه بر اینکه از حق تعیین سرنوشت دفاع میکنم ، از خود مختاری که خواست دمکراتیک مردم کردستان است ، دفاع و برای آن میارزه منهایم . در مورد مناطق دیگر ایران نیز مساعلاوه خود مختاری را برای ملیتهای تحت ستم دیگر مناطق ایران قبول داشته و ملاک تشخیص آنها را مردم خود این مناطق میدانیم .

به معیارهایی نظیر اقتصادیات ، تاریخ ، جغرافیا و فرهنگ مشترک مردم منطقه ، میتوان آنها دریافت . اما با توجه به اینکه هر جا مسئله ملی مطرح باشد انعکاس خود را در خواست مضمون جنبش توده های آن منطقه باز خواهند یافت ، بدنبال مرجعی برای تشخیص وجود یا عدم وجود مسئله ملی در مناطق مختلف کشور گشتی ، غیر ضروری بوده و مرجع اصلی خواست مردم خود منطقه و جنبش توده های آن خواهد بود .

پس شعار اصلی ما در مورد ملیتهای تحت ستم ، حق تعیین سرنوشت برای

آوارگان قربانیان

پیشبرد و هدایت امورات زندگی آوارگان توسط خود آنها و کنترل و هدایت جمعی آن محوری است که بر مبنای فعالیت حول آن میتوان بخش و سهم از آنها را متشکل نمود ، آنان را با جلوه ای از کنترل و هدایت توده های آشنا ساخت و در عین حال از مجموعه امکانات وسیعی که این محور از سیاست ما فراغ میکند در خدمت تقویت محور اصلی - سازماندهی مبارزات آوارگان علیه جنگ - بهره جست . در پایان یاد آور میشوم که در کنار اتخاذ اساسی به تشکل مخفی برای هدایت مبارزات ، باید از هر گونه امکانات علنی در خدمت تقویت اولی استفاده نمود .

با تلاش برای سازماندهی مبارزات آوارگان جنگی و ایجاد تشکلهای توده ای ؛

در راه تحقق شعار سرگ پر جنگ ،

زنده باد صلح ! بکشیم .

و کنترل و سرپرستی امورات معیشتی و زندگی روزمره آنها . مسلما در شرایط فعلی تشکلهای توده ای را تنها متکی به جمعیتی مستحکم و مخفی متشکل از عناصر پیشرو و مبارز توده های میتوان سازمان داد ، باید مناسبترین افراد که دارای بیشترین اعتبار توده ای و توان مبارزاتی و هدایتگری هستند ، را جذب کرد و بر مبنای تجمع آنها ، هسته مستحکم را سازمان داد . هسته مخفی که با استمداد از حضور و ارتباط وسیعش در محیط زندگی توده های بهترین نحوی میتواند آنها را در مبارزات سیاسی و مسائل روزمره شان هدایت کرده و در عین حال متکی به همین پوشش توده ای خود را از نظر اهمیت ، به بهترین نحوی حفظ نماید . سیاست

در سهائشی از جنبش رهاشیببخش عمان

بسمه مناسبت ۱۹ خرداد، سالروز آغاز جنبش مسلحانه در ظفار

سرزمین سخت مورد توجه
استعمارگران قرار گرفت. بناشیدید
تضاد قدرتهای استعماری پیر سر
دست یابی بر سرتهای بیکران هند،
بریتانیا در صدد بستن راههای
ننوز برای این کشور برآمد و تصرف
واشغال کامل مناطق استراتژیک
عمان و جدا ساختن آنها از امپراطوری
عمانی در دستور کار خود قرار
داد. دست اندازی به نواحی
شروتمند ساحلی که علاوه بر
اهمیت استراتژیک و نظامی، اهمیت
اقتصادی هم داشت، شروع شد و با
استفاده از قدرت ناوگان جنگی و
خریداری حکام محلی، بخش
بقیه در صفحه ۱۰۲

عمان در پهنه تاریخ
سرزمین عمان با جمعیتی حدود ۲
میلیون نفر شرق شبه جزیره
پهستان را در بر گرفته و با مردم
جزیره العرب، پیوندی تاریخی و
دیرینه دارد. عمان به لحاظ موقعیت
استراتژیک خاص خود که مسلط
به تنگه هرمز و گذرگاه خلیج
فارس به اقیانوس هند است از دیر
باز همیشه مورد توجه امپریالیستها
بوده است. توسعه سرمایه داری
در غرب که با افزایش صدور کالاهای
و توسعه ناوگان تجاری و جنگی
همراه بود بر اهمیت عمان که
نزدیکترین پایگاه به هندوستان
بود انزود و به همین لحاظ این

صفحه ۱۱

به ۵۰ ریال

آوارگان قربانیان ندادوم جنگ

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر